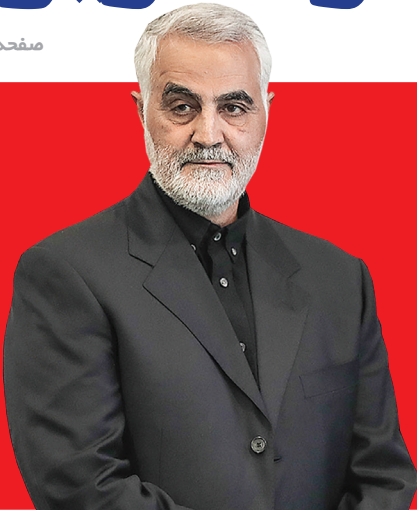


چرا اقدامات اخیر وحید جلیلی راهبرد نقد عملکرد مدیران رسانه ملی را به حاشیه می برد

احمدی نژاد یسم به نفع حفظ وضع موجود تلویزیون

صفحه یک را بخوانید



ایده مقاومت فعال چگونه در غرب آسیا فراگیر شد؟

مجری پروژه عقلانیت انقلابی در منطقه

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نجفگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
توران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۵۹۸
تکثیریه ۲۴ شهریور ۱۳۸۸
۱۵ محرم ۱۴۴۱
۱۵ سپتامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۸۶۰

www.fdn.ir | Sun | 15 Sep 2019 | vol.10 | No. 2860 | 16 Pages



گزارشی تاسف بار از خسارت های اقتصادی تصادف در «جاده» ها و «راه» ها

۷ درصد تولید ناخالص داخلی؛ هزینه تند راندن

۵۰ سال بعد از مرگ آل احمد روشنفکران همچنان او را می زنند

از جان آل احمد چه می خواهند؟

اظهارات رئیس جمهور آلمان و نخست وزیر بریتانیا درباره نجات اروپا توسط آمریکا
مناقشات بر سر روایت وقایع جنگ جهانی دوم را کلید زد

اروپا به دنبال ترمیم شکاف سیاسی با تاریخ سازی

جدی تر شدن معضل اسکان در دانشگاه های دولتی

قیمت خوابگاه های خودگردان دوبرابر شد

چرا اقدامات اخیر وحید جلیلی راهبرد نقد عملکرد مدیران رسانه ملی را به حاشیه می برد

احمدی نژاد یسم به نفع حفظ وضع موجود تلویزیون

«راه» اداره می شود و برنامه هایی دیگر در چندین شبکه دیگر هم برای این دوستان است. منظور خوش بینانه جلیلی این است که بقیه تلویزیون را به ما بدهید، یعنی مدیریت فکری جشنواره عمار و شبکه افق بر تمام تلویزیون حاکم شود. میزان بیننده فعلی افق و برنامه هایی با ایده «جلیلی» آینده این صداوسیما را نمایان می کند، توضیح دیگری نیاز نیست! برای حالت بدبینانه هم باید به زمان انتشار بیانییه خشونت بار جلیلی توجه کرد، در طول دو سال اخیر راهبرد اصلی احمدی نژاد روی تخریب دفتر رهبری بوده است، مواضع متعدد شخص محمود احمدی نژاد، گفت و گوی اخیر ویدئویی داوری با سرافراز با طرح اتهاماتی سنگین علیه منسوبان رهبری و کتاب اینترنتی اخیر سرافراز که دفتر رهبری را متهم به انواع و اقسام اتهامات می کند و با استقبال رسانه های ضدانقلاب مواجه شد را کنار این موضع جلیلی بگذارد.

۴ رادیکالیسم پیش از این احمدی نژاد را به چه نقطه ای رسانده است؟ او قهرمان رشته ای است که جلیلی تازه شروعش کرده. اینکه به اسم انقلابی گری دست راست رهبری را لیدر یک گروه خشن معرفی کنیم و آن را دفاع از «ولی فقیه» جا بزنیم، تکرار همان راهی است که احمدی نژاد خیلی قبل تر آن را اجرا کرده است. شاید جناب جلیلی دود منتقل بهاری ها را با بوی کباب اشتباه گرفته، اما چیز دیگری را داغ می کنند. سفره ای هم پهن نیست که شما غذای اضافه آن را تهیه کردید.

قبل از این دیدید آتهایی که شعارهای انقلابی بر سر نیزه کردند چه عاقبتی داشتند، شما تازه به اسم نقد صداوسیما ی لیبرال با روش های مرتجعانه رادیکال پرچم «عدالتخواهی» را یک بار دیگر به جای ابتدای جاده، کناره «دره» زدید! این عدالتخواهی مرتجعانه است که برگه روزه مدیران را به اسم دستان اجرایی رهبری می زنند و وقتی صدای اعتراض شنیدند، با ژست روشنفکرانه تابلوی احماقانه «مگر چند معصوم داریم» را بلند می کنند. معصوم از ازل تا ابد بشریت فقط ۱۴ نفر داریم، اما «کج فهم» و «شامویتی باز» تا دل تان بخواهد.

پیام تسلیت

دکترو لایتی در گذشت مرحوم عسگر اولادی را تسلیت گفت

دکتر علی اکبر ولایتی با صدور پیامی، درگذشت حاج اسدالله عسگر اولادی، عضو شورای مرکزی حزب موفته اسلامی را تسلیت گفت. متن پیام مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله وانا اليه راجعون

خبر درگذشت حاج اسدالله عسگر اولادی، عضو شورای مرکزی حزب موفته اسلامی، موجب تاسف و غم و اندوه همه یاران و علاقه مندان انقلاب شد. اینجانب این ضایعه را به خانواده معزز، دوستان و علاقه مندان آن مرحوم تسلیت عرض نموده، علو درجات و رحمت واسعه الهی برای آن مرحوم و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی مسالت می نمایم.»

اصل برگزاری این جشنواره نبود تا جناب جلیلی در جایگاه یک مقام ارشد فرهنگی ۱۰ سال جشنواره برگزار کند. جالب تر اینکه تلویزیون به عنوان پنهان دعوی اخیر «افتتاحیه»، «اختتامیه» و تمام حاشیه های عمار را پوشش گسترده می دهد. بخش های خبری مهم تلویزیون که اتفاقا سریع ترین جایی است که باید منویات دفتر رهبری را اجرا کند، تمام قد حامی «عمار جلیلی» است. من اشکال ذاتی به این حمایت ندارم، بیشتر در مقام توصیف و به رو آوردن» نمکی هستم که ایشان میل کرده. ناظران فرهنگی اما می توانند از بودجه میلیاردری در اختیار جلیلی سوال کنند که آیا در «راه» استفاده شده یا «بیراه»؟ شاید سال ها ماندگاری جناب جلیلی در مقام سوال کننده این وهم را برای ایشان ایجاد کرده که فقط دیگران باید جواب دهند و ما چون «عماریم» فقط باید فریاد بزنیم! شاید جلیلی برای این فریاد می زند که کسی نپرسد مهم ترین دستاورد حضرت تعالی در طول یک دهه «میل بودجه» چه بوده؟ آیا گذاشتن «گریم منتقد صداوسیما»

توجیه مناسبی برای به حاشیه بردن اصل مطلب است؟ مناقشه بر سر این است که فاکتور کردن ضعف های مدیران سیما به نام اصل دفتر رهبری «خیمه شب بازی» است، چه آنکه دفتر رهبر انقلاب به عنوان بازوی ایشان در امور راهبردی طبعاً هیچ مسئولیت اجرایی ندارد، جلیلی بدها با این گزاره آشناست؛ از طرف دیگر رهبر انقلاب هیچ گاه با نقد عملکرد کسانی که منصوب کرده اند مخالفتی نداشته اند، در جلسات سالیانه دانشجویان با رهبر انقلاب بارها صداوسیما مورد انتقاد دانشجویان بوده، رهبری فارغ از رد یا قبول جزئیات اشکالات، اصل رویکرد را تشویق کرده اند و منصوب بودن از طرف خودشان را مانع پاسخگویی نمی دانند. طبیعتاً بحث ممانعت نقد منصوبان رهبری بحثی انحرافی محسوب می شود چون هم در صراحت کلام رهبری این امر مقبول است هم در مقام عقل. بحث اصلی این است که جناب جلیلی از پشت تربیون نقد سریال تلویزیونی و مدیران آن، معاونت دفتر رهبری را هدف قرار داده. حتی اگر در مقام نقد عملکرد او و دیگران در دفتر رهبری مورد ارزیابی قرار می گرفت اشکالی نداشت. بررسی اینکه تصمیم الف و ب دفتر سود داشته یا خیر؟ بعید است کسی در کره زمین وجود داشته باشد که تصمیمات دفتر رهبری را عین صحت بداند! اما جناب جلیلی فیلمی پلیسی تعریف کرده که در دفتر رهبری مدیریت «رانت و خشونت» روی می دهد! آن هم ۲۶ سال و حتماً آقای جلیلی دوست ندارد به این سوال فکر کند که عاقبت چنین تصویر سازی ای چیست؟ رهبر انقلاب نظاره گر این صحنه هستند؟ یا ... حتی از نوشتن بقیه احتمالات شرم دارم آن هم درباره رهبری که هندسه خاورمیانه جدید را با سردارانی چون سلیمانی تغییر داده و ترامپ را در کارزار فشار حداکثری به استیصال کشانده است. آقای جلیلی ببینید چه دکوپازی کردید؟ این نقد است؟ اگر چنین است تخریب دستگاه های رسانه ای لیبرال علیه جناب سعید جلیلی در طول سال های اخیر با عناوینی با شدت شمشیر کننده هم نقد است. جلیلی خواب نیست، خودش را به خواب زده! برای همین اسم «دستگاه تخریبش» را «امر به معروف» می گذارد، چه داستان رقت انگیزی!

در خوشبینانه ترین حالت ممکن منظور جناب جلیلی این است که کل کار را به ما بدهید، چون در حال حاضر شبکه افق با دستگاه فکری دفتر

«شیرین» در مکان هایی مثل «صف نانوا یی» وقتی نانوا نان نپخته ای دست مشتری می داد شنیده بودیم «رئیس جمهور» وقت عرضه نداشته است! اما حالا این خاطره «کف خیابانی» برای بدل یک «دغدغه فرهنگی» به حرفی سیاسی استفاده شده است.

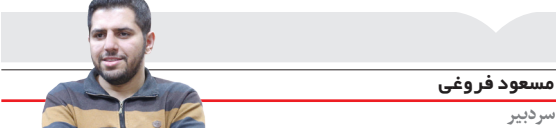
نمی توان این آسمان و ریسمان بافی بی دروپیکر را یک «نقد فرهنگی» نامید، اساساً نقد مدیران رسانه ملی هم نیست، چون جناب جلیلی با دقتی مثال زدنی مسئولیت را از دوش مدیران سال های متمادی تلویزیون برداشته اند و می گویند مشکل جای دیگری است! معنای صریح این استدلال این است که راه حل جلیلی برای بهبود صداوسیما بعد از سال ها تحقیق و بررسی در مدیران اصلی رسانه ملی نیست. جناب جلیلی لباس فرهنگ را از تن بیرون کرده و موضعی سیاسی گرفته. آیا می توان این «شعبه بازی» رسانه ای را به حساب فرهنگ گذاشت؟

۲ در حق منتقدان صداوسیما بزرگ ترین بی انصافی اختلاط همین معنی است، حالا تا مدت های طولانی مدیران رسانه ملی از تیغ نقد منتقدان خارج می شوند. حاصل «رادیکالیسم» جلیلی «زوال معنای» نقد فرهنگی و تبدیل یک گزاره ساده به موضوعی پیچیده امنیتی است. مدیران ارشد تلویزیون منتقدان جدی دارند، جلیلی یکی از انبوه این افراد است، حالا اما با سیاسی شدن رادیکال موضوع عملکرد این مدیران، منتقدان دست به عصا می شوند. خیلی از کسانی که معتقدند بعضی مدیران صداوسیما باید عوض شوند یا برخی رویه های غلط در این سازمان باید تغییر کنند با سیاسی شدن موضوع سکوت می کنند، هم به دلیل اینکه با «خشونت جلیلی» یکی نشوند هم به دلیل اینکه اساساً جلیلی با عملیاتی رادیکال بار را از دوش آنها برداشت.

نتیجه محتوم رادیکالیسم همین است، منتقدان فرهنگی عمیق محصول گفت و گوهای فنی درباره تصمیمات و عملکرد مسئولان تلویزیون هستند و از نمایش های سیاسی که «بوی انتخاباتی» می دهند، فرار می کنند. اتفاقاً تلاش سال های متمادی فعالان فرهنگی این بوده که نقد و نظر درباره راهبردها و سیاست های حوزه فرهنگ از متر و معیارهای فرهنگی خارج نشود. جلیلی اما با استدلالی فضایی، همه رشته ها را پنبه کرد.

۳ چرا حرف های جلیلی مورد مناقشه قرار گرفت؟ وحید جلیلی می گوید صداوسیما تحت مدیریت یک گروه «رانتی» است و لیدر آن معاون بیت است، طول عمر این «رانت» هم ۲۶ سال معرفی می شود، کافی است برای صحت سنجی این گزاره به سه نکته توجه کنیم: اولاً جناب جلیلی سال ها از همکاران اصلی همان معاونت بیت رهبری بوده، چنانچه در زمانی که این گروه رانتی (!) در حال توزیع رانت بوده اند وی آنجا بوده. شاید کسی بگوید خب این اطلاعات حاصل همکاری نزدیک وی است اما این فرضیه به دو دلیل رد است؛ هم اینکه جلیلی دفتر بزرگ «راه» را مدیون استراتژی دفاع حداکثری بیت رهبری از فعالان فرهنگی انقلابی است، بعید است منظور جلیلی این باشد که «من مصداق رانت» و هم اینکه دعوی الان او این است که «چرا کم دادید؟»

جشنواره عمار که از فتنه ۸۸ پا به میدان گذاشت ایده جلیلی بود اما ایده خالی امکان تحقق ندارد، بدون شک اگر معاون بررسی بیت نبود



مسعود فروغی

بحث های عمومی شده اخیر که با تابلوی «نقد عملکرد صداوسیما» برافراشته و معرفی می شوند، پهنای بی کرانی از مفاهیم و مباحث سیاسی- اجتماعی مهمی را در بر می گیرد. ظاهر ماجرا یک گفت و گوی فنی درباره ماموریت های فرهنگی یک سازمان استراتژیک حاکمیتی است، اما در بطن واقعیت و در عمق گفته های چهره های شهر شروع کننده این «عملیات» ظرایف کمتر دیده شده و تاریخی وجود دارد. در ۱۰ روز گذشته کش و قوس های فراوان حول ماجرا صورت گرفته است، بررسی موضع گیری های له یا علیه «وحید جلیلی» نشان می دهد جای یک صورت بندی کلان درباره موضوع همچنان خالی است. هر چند از منظر سوژه مورد بحث بسیاری از افراد و صاحبان نظر فارغ از نظر مثبت یا منفی درباره همه یا بخشی از بیانییه اول جناب جلیلی جای این گونه مباحث را فضای اجتماعی و رسانه ای نمی دانند، اما بدیهی است که هدف جلیلی اتفاقا کشاندن بحث به ساحت رسانه های اجتماعی است، جایی که بحث، ظاهری فرهنگی و مزیتی سیاسی پیدا می کند. سعی می کنم در ذیل این مطلب توضیح دهم که چرا بیانییه جلیلی نه در هدف و نه در محتوا صادقانه نیست، برای همین انتظار نتیجه مثبت از یک حيله رسانه ای بپوهه است.

۱ بیانییه «وحید جلیلی» دوختن یک لباس «فرهنگی» برای «نمایشنامه سیاسی» است، نویسنده که سابقه سال ها نقد و نظر در حوزه فرهنگ را دارد این بار هم به دلیل پخش یک سریال به نام «بوی باران» مدیران سیما را به یاد انتقاد می گیرد. نکته جلیلی درباره سریال درست است، اتفاقاً موردی که موسس جشنواره عمار انتخاب کرده از حیث اجماع منفی ناظران فرهنگی مورد چالش برانگیزی نیست و همه سلا یق اتفاق نظر دارند که سریال اثر «بی خودی» است. «فرهیختگان» از اولین رسانه هایی بود که در دو مقطع (شماره های ۱۶ مرداد و ۲ شهریور) به این سریال ضعیف پرداخت و بیانییه جلیلی از این منظر کشف جدیدی نکرده است. اتفاقاً نویسنده همان طور که بسیاری از منتقدان سریال سازی در تلویزیون می گویند جناب میرباقری، معاون سیما را هم نقد صریح کرده.

نقد آقای میرباقری در «فرهیختگان» شماره ۲۸ فروردین و ۲۲ مرداد (فقط برای نمونه) نشان می دهد از این منظر هم بیانییه «خشن» جلیلی مساله جدیدی را مطرح نکرده است، چون اساساً این بار قرار نبوده بحث درباره مدیران رسانه ملی باشد. جلیلی وقتی تاکید می کند سریال «بوی باران» کار ضعیف و غیرقابل دفاعی است، سراغ اصل ماجرا می رود و یکی از معاونان دفتر رهبر انقلاب را به این عنوان که مسئولیت «محتوایی» دفتر با وی است، به عنوان مقصر اصلی سازوکار معرفی می کند که «بوی باران» را ساخته است. هسته مرکزی بیانییه جلیلی اینجاست، یعنی چون صداوسیما به عنوان یکی از مجموعه های زیر نظر دفتر رهبری سریالی در شبکه یک ساخته که خوب نیست (معاون بررسی بیت) که اتفاقاً سال ها «وحید جلیلی» همکار وی بوده، مقصر اصلی است. قبلاً در میانه بحث هایی